



عنوان: تعیین اثربخشی آموزش بسته آموزشی خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیر منطقی متاهلین

امید قادری^۱، حسین ابراهیمی مقدم^۲، روح الله علیزاده^۳

اطلاعات مربوط به مقاله

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین اثر بخشی آموزش بسته آموزشی خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیر منطقی ارتباطی روی افراد انجام و اجرا شد. جامعه آماری شامل کلیه افراد متاهل مراجع کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی مناطق ۱ و ۳ شهر تهران با مشکل اختلافات زناشویی بود. در پژوهش حاضر از روش تحقیق تجربی از نوع شبه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. در نمونه پژوهشی ۱۶ نفر بصورت داوطلبانه که سطح بالایی در باورهای غیرمنطقی براساس پاسخ به پرسشنامه داوطلبانه مراکز مشاوره داشتند، انتخاب شدند و در گروه آزمایش و کنترل هر گروه ۸ نفر بصورت تصادفی جایگزین شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی آدیلسون و ایشتاین بود که با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل و انجام ۱۲ جلسه آموزشی گردآوری اطلاعات انجام شد. از روش تحلیل کواریانس چند متغیره یا مانوا برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. نتایج تحلیل کواریانس در متن مانکوا نشان داد که در فرضیه اصلی تحلیل کواریانس در متغیر باورهای غیرمنطقی زوج ها ($F=۶.۰۵۹$, $Sig=۰.۰۰۲$) معنادار است. نتایج فرضیه ها فرعی نیز نشان داد که تحلیل کواریانس در متغیر تخریب کنندگی، باور به تغییر پذیری همسر، باور ذهن خوانی، باور کمال گرایی جنسی و تفاوت های جنسی زوج ها معنادار است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیرمنطقی متاهلین اثربخش است.

کلید واژگان خودشناسی، اگزستانسیالیسم، باورهای غیر منطقی

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

^۲ عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

^۳ استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شرق

مقدمه

يکي از مفاهيمي که اکثر انديشمندان هستي به آن اشاره نموده اند مفهوم ارتباط است. روابط بين فردي، از مهم ترين مؤلفه هاي زندگي انسان از آغاز تولد تا هنگام مرگ است. هيچ يک از توانمدي هاي بالقوه انسان، جز در سايه روابط بين فردي رشد نمي کند. فراگيري روابط بين فردي صحيح، اهميتي بسزا در ايجاد سلامت رواني، رشد شخصيت، هويت يابي، افزايش بهره وري شغلي، بهبود کيفيت زندگي، افزايش سازگاري و خودشکوفايي دارد (نوري قاسم آبادي، ۱۳۷۷). انسان موجودي اجتماعي است و زندگي در اجتماع براي او لازم است. انسان بايد در اجتماع مطابق انتظارات خود و ديگران رفتار کند و بيش از حد خود مدار و خودبين نباشد، و زياد به سبقت جويي تاکيد نکند. انسان بايد تا حدي از آن خصوصيتي بهره مند باشد که آدلر آن را علاقه اجتماعي و ارتباط با همنوع مي داند. اما از طرف ديگر پافشاري بر نگرش ديگران نسبت به خود و جلوه دادن آن به صورت مبرم، حالي مرضي و مخرب نفس است. اين که ديگران نسبت به ما نظرات خوبي داشته باشند، مطلوب است، اما نبايد ما هستي و وجود خود را در گرو نگرش مثبت ديگران نسبت به خود بدانيم. بلوغ عاطفي و سلامت رواني ايجاد تعادل مطلوب است بين اهميت دادن و اهميت افراطي دادن به داشتن روابط متقابل مناسب از جانب فرد (پاپن، ۱۹۷۴؛ به نقل از شفيع آبادي و ناصري، ۱۳۷۷). از همين رو باورهاي ما تاثير بسزايي در تمامي ساحت هاي زندگي خواهد داشت. تاثير عميق باورهاي نهفته در روان انساني چه بصورت باورهاي منطقي و چه باورهاي غير منطقي مي تواند روند و آينده روابط بين فردي و دروني ما را تا حدود زيادي مشخص کند و در اين ميان تاثيرات باورهاي غير منطقي بسيار پر اهميت و پر فشار تر از باورهاي منطقي در روان انسان است. باورهاي غير منطقي^۱ باورهاي اغراق آميز، مطلق گرا، نامعقول و انعطاف ناپذير هستند. از نظر اليس عقايد غير منطقي که فلسفه خود آشفته ساز افراد را تشکيل مي دهد دو ويژگي اصلي دارد که عبارتند از: ۱) اين عقايد، توقعات خشک و تعصب آميزي هستند که معمولاً با کلمات (بايد و حتماً) بيان مي شوند. ۲) معمولاً حاصل اين باورها، انتساب هاي بسيار نامعقول و بيش از حد تعميم يافته ايجاد مي کنند. او باورهاي غير منطقي را خواست ها و اهدافي مي داند که به صورت ترجيحات ضروري و الزامي در مي آيند و تبديل به اهداف اجباري، الزامي و قطعي مي گردند. همچنين درمانگران عقلاني-عاطفي خصوصياتي را براي باورهاي غير منطقي در نظر مي گيرند. ۱) افکار و باورهاي غير منطقي با واقعيات موجود هماهنگ و هم جهت نيستند. ۲) باورهاي غير منطقي توسط شواهد عيني تايد نمي شوند و فرد در صدد آزمائش آنها نيست. ۳) باورهاي غير منطقي به شکل اطلاعات و يا به شکل تصميم و تصميم گيري نادرست است. ۴) باورهاي غير منطقي با اجبار و الزام و وظيفه است، خشک و انعطاف ناپذير هستند (شفيع آبادي و ناصري، ۱۳۹۶). به عقیده برنارد^۲ (۲۰۰۰) باورهاي غيرمنطقي خواست ها و هدف هايي هستند که به صورت ترجيح هاي ضروري در مي آيند، به طوري که اگر برآورده نشوند، موجب آشفته گي مي شوند (بيابانگرد، ۱۳۷۳). بر اساس تئوري عقلاني-عاطفي- رفتاري^۳، عقايد غيرمنطقي؛ غيرمنطقي، خشک و متناقض با واقعييت هستند در صورتي که عقايد منطقي؛ منطقي، قابل انعطاف و موافق با واقعييت هستند. عقايد غيرمنطقي باعث احساسات ناسالم، رفتارهاي ناکارآمد و اضطراب رواني در افراد مي شود (دويس، ۲۰۰۷).

¹ . Irrational belief

² . Bernard

³ . Rational-emotional-behavioral theory

الیس اضطراب و اختلالات عاطفی را نتیجه طرز تفکر غیرمنطقی و غیرعقلانی میداند و به نظر او افکار و عواطف واکنش‌های متفاوت و جداگانه‌ای نیستند. از اینرو تا زمانی که تفکر غیرمنطقی جریان دارد اختلالات عاطفی نیز به قوت خود باقی خواهد بود. مفهوم پردازی جدید در باره منشأ نظریه باورهای غیرمنطقی به الیس منسوب است. اگرچه زیرساخت فلسفی افکار او به برخی از فلاسفه متقدم رواقی به خصوص زنون، پیرو و اپکتوس بر می‌گردد. اپکتوس که در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیست، معتقد بود که انسان‌ها به وسیله اشیاء برآشفته نمی‌شوند، بلکه نگرشی که نسبت به امور و اشیاء پیدا می‌کنند، آنها را برآشفته می‌کند (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۹۶). خودشناسی این امکان را ایجاد می‌کند که انسان بتواند با آگاهی در باب حالات روانی، روحی و رفتاری خود از وابستگی به دیگران و داشتن باورهای غیر منطقی بکاهد و به تقویت روابط و ارتباطات خود با دنیای بیرونی و مخصوصاً افراد پردازد. خودشناسی می‌تواند به عنوان راهی مهم و اساسی ما را در جهت روابط بهتر با خود و دیگری یاری کند. ارتقای اشکال گوناگون معرفت به خود یکی از محورهای اساسی شکوفایی و رستگاری انسان تلقی شده است. خودشناسی به معنی توجه متمرکز بر خود یا بر تجربیات خود در محیط است (ویکالند و دووال ۱۹۷۱)، خود آگاهی در چنین معنایی با سلامت روان همراه است (واتسن و بایدرمن^۱، ۱۹۹۳؛ واتسن و همکاران، ۱۹۹۴). از نظر منطقی خود را نمی‌توان تعریف کرد، بلکه در تعریف خود باید از مشتقات مفهومی آن بهره‌مند شد، که البته این کفایت نمی‌کند. در کل خود به دو صورت مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه شناختی، خود را به عنوان بازنمایی ذهنی خویش یا به بیانی دیگر بیانگر شناخت ما نسبت به خود تعریف کرده است و از نگاهی دیگر خود را به عنوان تمامیت وجودی شامل تمام فعالیت‌های روانی در قالب واحدی یکپارچه، در نظر گرفته است. خودشناسی، یعنی آگاهی نسبت به حالت ظاهری و روانی و توان احساس تمایز، تداوم و پیوستگی و نسبت دادن آن‌ها نسبت به خویش (پورحسین، ۱۳۸۳). آگوستین قدیس^۲ (۳۵۴-۴۳۰ ق.م) خودشناسی را نه تنها راه سعادت و شادی، که در نهایت راه رستگاری می‌داند. اکهارت الهی دان مسیحی قدیس و عارف مشهور آلمانی (۱۲۶۰-۱۳۲۷ م) ضمن توصیه به رها کردن تأملات عمیق فکری، بر لزوم توجه به درون و شناخت خویش تأکید کرده است (ویلیام^۳، ۱۹۹۶). ابن سینا نیز یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی را خودشناسی می‌داند و معتقد است نزدیک‌ترین و مهم‌ترین امر برای انسان، نفس اوست. انسان پیش از تدبیر و تربیت دیگران، باید در پی تربیت خویش باشد و برای این امر الزم است خود را بشناسد. از این رو، خودشناسی و آگاهی بر اوصاف و قوای نفس و زوایای روح خویش، از اصول بنیادی است که ابن سینا به آن عنایتی ویژه دارد. بنابراین باید نخستین گام در تربیت، تربیت نفس باشد و کلید آن، شناخت خویش است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

از همین منظر تفکری فلسفی وجود دارد که به وجود حقیقی انسان توجه ویژه دارد و هنرش بررسی عمیق این پدیده است. اگر در فلسفه‌های دیگر توجه بیشتر به امور عالم است تا آدم، آن هم به صورت انتزاعی، این فلسفه می‌خواهد انسان را به گونه‌ای انضمامی مورد بحث و بررسی قرار دهد. در این فلسفه، وجود مقدم بر ماهیت است و به انسان از دریچه‌ی وجود نگریسته می‌شود. این وجود به معنای بیرون ایستادن و دائم از خود بدر شدن است. انسان در این فلسفه ماهیت پیشینی ندارد و باید خود، آزادانه میان گزینه‌های ممکن بر گزیند و اخلاقیات و ارزش‌های خویش را تعیین نماید. احساس مسئولیتی که در این فلسفه وجود دارد، توجه نشان دادن به دیگری و آزادی که برای تعالی فرد ضروری است، تلاش برای بهبود وضع خود و دیگران و متعهد شدن نسبت به حقوق سایر آدمیان است. نام این فلسفه «اگزیستانسیالیسم یا وجودگرایی» است (احمدی، ۱۴۰۰: ۲۵). فلسفه اگزیستانسیالیسم با پیوند زدن

^۱ . Watson & Biderman

^۲ . Augustine of Hippo

^۳ . William

مفاهیمی چون انتخاب، دلهره، آگاهی جهت یابنده، دیگری، اختیار، آزادی، مسئولیت و تعهد به زندگی عملی و اجتماعی، گام های مهمی را در راستای پر کردن خلأ عاطفی و روانی نسل بعد از جنگ فرانسه برداشت. اگزیستانسیالیسم یکی از مکاتب فلسفی است که بخش بزرگی از فلسفه معاصر را دربر می گیرد. فیلسوفان اگزیستانسیالیست بر هستی انسان همچون گونه ای متمایز از «وجود» یا هستی دیگر هستندگان تأمل می کنند و با دقت به این تمایز، هستی انسان را برمی یابند. آن ها درصدد نشان دادن تفاوت میان وجود یا بودن انسان در *existence* یا در این دنیا با سایر اشکال هستی اند. در نتیجه، به تحقیق در شیوه و شکل بودن انسان در دنیا و بررسی مباحث وجودی و حالات او ناچارند (فولکه، ۱۳۳۲).

در پیشینه پژوهش با توجه به اینکه پژوهش های اندکی از تأثیر رویکرد اگزیستانسیالیسم بر مفاهیم روانشناختی در رشته های روانشناسی صورت گرفته است پژوهشگر توانسته صرفاً پژوهش هایی نسبتاً مرتبط با موضوع اصلی را استخراج کند. مهسا امید بیکی و همکارانش (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ذهن آگاهی و خودشناسی منسجم با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و مهارت های خودآگاهی می توانند تغییرات رضایتمندی زناشویی را پیش بینی کنند. عبدخدایی و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهش تدوین برنامه آموزش خودشناسی با رویکرد صدایی به چهار مؤلفه روانشناختی از جمله خودآگاهی، باورها و اعمال مذهبی، تجربه هوشیاری اوج یافته و تعالی پرداخته و مورد مطالعه قرار دادند و یک برنامه آموزشی جامع خودشناسی از دیدگاه صدرالمآلهین تدوین کردند. سعیده داوری (۱۴۰۱) در پژوهش خود متوجه شد که هر چه خودشناسی، معنویت و سلامت روان در دانشجویان بالاتر رود میزان تعارضات بین فردی آنها کاهش پیدا می کند. خدابخش و همکارانش (۱۴۰۱) نیز به این نتیجه رسیدند که مولفه های خودشناسی انسجامی با کیفیت روابط بین فردی رابطه مثبت دارند. صادقی و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله نقش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در پیش بینی تعارضات زناشویی دریافتند که متغیرهای خودشناسی، عشق و هوش هیجانی جمعاً ۵۴ درصد از واریانس تعارضات زناشویی را تبیین می کند. بهروز دولتشاهی و زینب مسرت مشهدی (۱۳۹۶) در پژوهش تعیین اثر پذیری میزان سازگاری زناشویی از باورهای غیر منطقی دریافتند که هرچه نمره باورهای غیر منطقی افزایش یابد، سطح سازگاری زناشویی کاهش می یابد. زهرا شیروانی و همکارانش (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت های زندگی بر کاهش باورهای ارتباطی غیر منطقی مردان دارای تجربه رابطه فرازناشویی تأثیرگذار است. فاطمه جعفری رنجبر (۱۳۹۹) نیز دریافت که روش درمانی شناختی-رفتاری به شیوه ی گروهی بر افزایش انضباط پذیری و نیز کاهش باورهای غیر منطقی در دانش آموزان مؤثر است. فاطمه بیان فر و سمیه حامدیان (۱۳۹۹) در مقاله خود دریافتند که باورهای غیر منطقی درباره رابطه زوجی که از الگوهای فکری منفی و تحریف شده ناشی می شود و خطاهای کلی در تفکر که حاصل ادراکات تحریف شده هستند، موجب خشم، افسردگی، جر و بحث مداوم و ناسازگاری با همسر می گردد. توران خرسند پور و همکارانش (۱۴۰۰) بیان کردند که ویژگی های شخصیتی، عزت نفس و تفکر انتقادی می توانند ۳۶ درصد واریانس باورهای غیرمنطقی را تبیین کنند. فریده انصافداران و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود نشان دادند که باورهای غیرمنطقی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی بالاتر است و میانگین متغیرهای خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق نسبت به زنان عادی پایین تر است. حسنا کامانکش (۱۴۰۱) در پژوهش اثربخشی آموزش روانشناسی مثبت نگری بر باورهای غیر منطقی در بین زنان دارای همسر ناسازگار به این نتیجه رسید که بین گروه های آزمایش و کنترل از لحاظ پس آزمون باورهای غیرمنطقی با کنترل پیش آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. فریده حمیدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود دریافتند که آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کاهش باورهای غیرمنطقی و بهبود رابطه والد-فرزند در والدین متقاضی طلاق سازش نایافته مؤثر است.

با توجه به اینکه تا کنون بسته آموزشی در باب خودشناسی اگزستانسیالیسم تالیف نگشته است و همچنین پژوهش‌های اندکی از تأثیر رویکرد اگزستانسیالیسم بر مفاهیم روانشناختی در رشته‌های روانشناسی صورت گرفته است، پژوهش حاضر قصد دارد تا به بسته آموزشی خودشناسی وجودی در سطح اجتماعی و مخصوصاً در روابط درون فردی و بین فردی بپردازد. بسته آموزشی خودشناسی وجودی قصد دارد با بیانی روان تر و سلیس تر از مطالب ثقیل فلسفه اگزستانسیالیسم راه را برای عملی کردن خودشناسی وجودی در سطح وسیع تری از جامعه هموار کند. این پژوهش در صدد است با توجه به اهمیت روابط بین فردی و درون فردی اثر بخشی این بسته آموزشی را بر باورهای غیر منطقی متاهلین آزمایش نماید تا از تأثیرات چنین آموزشی در سطح اجتماع اطلاع پیدا کند. سوال این پژوهش این است که آیا آموزش، بسته آموزشی خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر کاهش باورهای غیر منطقی متاهلین تأثیر گذار است؟

به همین منظور یک فرضیه اصلی و ۵ فرضیه فرعی در این پژوهش تدوین گردید: فرضیه اصلی: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باورهای غیر منطقی زوج‌ها می‌شود. فرضیه‌های فرعی: (۱) آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش تخریب‌کنندگی مخالفت در زوج‌ها می‌شود. (۲) آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور به تغییر پذیری همسر در زوج‌ها می‌شود. (۳) آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور ذهن خوانی در زوج‌ها می‌شود. (۴) آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور کمال‌گرایی جنسی در زوج‌ها می‌شود. (۵) آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور تفاوت‌های جنسی در زوج‌ها می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از روش تحقیق تجربی از نوع شبه آزمایشی از نوع طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. گروه‌های آزمایش و گواه به روش تصادفی معادل شدند و قبل از اعمال مداخله‌های تجربی در مورد گروه‌های آزمایش و گواه، پیش‌آزمون درباره آنها اجرا شد و پس از آزمون در پایان مداخله نیز اجرا گردید.

جامعه آماری: شامل کلیه افراد متاهل مراجع‌کننده به سه مرکز مشاوره و روانشناسی مناطق ۱ و ۳ شهر تهران با مشکل اختلافات زناشویی می‌باشد. علت انتخاب این جامعه آماری آشنایی و همکاری قبلی با این سه مرکز مشاوره در این مناطق می‌باشد.

روش نمونه‌گیری و نمونه آماری: روش نمونه‌گیری بصورت هدفمند/ داوطلبانه است. در جامعه مذکور پرسشنامه باورهای غیر منطقی به عنوان سنجش میزان باورهای غیر منطقی اجرا شد و از بین زوج‌ها، افرادی که در پاسخ به پرسشنامه‌ی باورهای غیرمنطقی ارتباطی آدیلسون و اپشتاین دارای سطح بالای باورهای غیر منطقی بودند ۱۶ نفر بصورت داوطلبانه انتخاب شدند و در گروه آزمایش و کنترل هر گروه ۸ نفر جایگزین شدند. در تحقیقات شبه آزمایشی نمونه‌های کوچک بین ۱۰ تا ۳۰ نفر کافی است و همچنین در مطالعات ترکیبی کیفی و کمی حجم نمونه معمولاً کوچک است و بیشتر هدف فهم عمیق‌تر پدیده‌های مورد بررسی و در اغلب موارد کشف و یا آزمون نظریه‌هاست (حسن زاده، ۱۳۹۳).

روش گردآوری اطلاعات: با توجه به روش تحقیق شبه تجربی میدانی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و انجام ۱۲ جلسه آموزشی و گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ی باورهای غیرمنطقی ارتباطی آدیلسون و اپشتاین انجام شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی آدیلسون و اپشتاین: این پرسشنامه توسط آدیلسون و اپشتاین در سال ۱۹۸۱ و جهت اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی ارتباطی زوج‌ها ساخته شده. این

پرسشنامه دارای ۴۰ سوال بوده و هدف آن ارزیابی میزان باورهای ارتباطی غیر منطقی در رابطه زناشویی در ۵ بعد مختلف (باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییر پذیری همسر، باور توقع ذهن خوانی، باور کمال گرایی جنسی، باور درمورد تفاوت‌های جنسیتی) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه بدین صورت است: کاملاً درست (۵)، درست (۴)، حد متوسط (۳)، غلط (۲)، کاملاً غلط (۱). برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد را با هم جمع می‌شوند. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات را با هم جمع می‌شوند. آیدلسون و اپشتاین (۱۹۸۲) دریافتند که نمره های این پرسشنامه با باورهای عمومی که توسط تست باورهای غیر منطقی جونز (جونز، ۱۹۶۸) اندازه گیری شده بود همبستگی مثبت داشت. همچنین در تحقیق ایمل کامپ وهمکارانش (۱۹۸۷) شواهد کافی برای روایی محتوایی وسازه وجود داشت وارتباط مثبت بین باورهای ارتباطی و ناسازگاری زناشویی به همراه ارتباط منفی معنی دار بین بیشتر خرده مقیاس ها ارتباط نزدیک (پرسشنامه ارتباطی بنک، نیجسکنز، ۱۹۸۰) وجود داشت (بوشمن به نقل از عبدالمحمدی، ۱۹۹۸). آیدلسون واپشتاین (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی این آزمون با آلفای کرنباخ برای خرده مقیاس ها از دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ است. و هر ۵ خرده مقیاس رابطه معناداری با سازگاری زناشویی دارند. (مظاهری، ۱۳۸۱) و پایایی باز آزمایی ۰/۷۶ بود (بوشمن ۱۹۹۸ به نقل از عبدالمحمدی، ۱۳۸۵). نسخه فارسی این ابزار را مظاهری و پور اعتماد ترجمه کرده اند. در پژوهشی که مظاهری استفاده کرده آلفای کرنباخ ۰/۷۵. محاسبه شده بود.

مراحل و روش اجرای پژوهش: پس از تهیه بسته آموزشی که در بخش قبلی توضیح داده شد. ثبت نام از کلیه افراد متاهل مراجع کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی مناطق ۱ و ۳ شهر تهران با مشکل اختلافات زناشویی صورت گرفت و از بین افراد متاهل ثبت نام شده ، افرادی که با توجه به پاسخ به پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی آیدلسون و اپشتاین دارای سطح بالای باورهای غیر منطقی بودند ۱۶ نفر بصورت داوطلبانه انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و کنترل هر گروه ۸ نفر بصورت تصادفی جایگزین شدند. پیش از اجرای آموزش بسته آموزشی خودشناسی از هر دو گروه آزمایش و کنترل پیش آزمون پرسشنامه ی باورهای غیرمنطقی ارتباطی آیدلسون و اپشتاین اجرا و ثبت گردید. سپس ۱۲ جلسه آموزش خودشناسی هر هفته دو جلسه ۲ ساعته به مدت شش هفته برای گروه آزمایش اجرا گردید و پس از آن، پس آزمون پرسشنامه ی باورهای غیرمنطقی ارتباطی آیدلسون و اپشتاین نیز بر روی افراد هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید و نتایج آن ثبت شد و تحلیل نتایج و استخراج یافته صورت گرفت.

مراحل اجرا: ۱. ثبت نام از کلیه افراد متاهل مراجع کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی مناطق ۱ و ۳ شهر تهران با مشکل اختلافات زناشویی ۲. انتخاب داوطلبانه ۱۶ نفر که دارای سطح بالای باورهای غیر منطقی بودند ۳. جایگزینی ۱۶ نفر در دو گروه ۸ نفره آزمایش و کنترل ۴. اجرای پیش آزمون پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ارتباطی آیدلسون و اپشتاین ۵. آموزش بسته آموزشی خودشناسی در ۱۲ جلسه، هر هفته دو جلسه ۲ ساعته به مدت شش هفته.

جلسات آموزشی بر اساس کتاب «خودشناسی وجودی» تألیف امید قادری چاپ انتشارات آگین کتاب در سال ۱۴۰۰ می باشد. جلسات آموزشی با طرح موضوع و هدف جلسات در جدول زیر بیان شده است.

جلسات آموزشی	موضوع جلسه	هدف
هفته اول جلسات ۱ و ۲	ضرورت شناخت خود (از کثرت قبل از تولد تا تاریخ، فرهنگ و تربیت و ...)	شناخت نحوه شکل گیری خود در طول زمان خطی و درک نحوه تأثیرگذاری مولفه های قبل از تولد تا تاریخ، فرهنگ، تربیت، خانواده و متغیرهای دیگر...
هفته دوم جلسات ۳ و ۴	شکل گیری خود از طریق زبان (زبان آشکار، زبان ناآشکار، زبان غیاب)	آشنایی با زبان خود و گزاره های زبانی مستقر در روان ما، شناخت زبان ناآشکار و زبان غیاب و تأثیرگذاری آنها بر کلام درونی و روابط ما
هفته سوم جلسات ۵ و ۶	شناخت ساختارها و گزاره های سیستمی زبان و تأثیر آن بر ساخت خود	شناخت ساختارها و گزاره های زبانی فردی
هفته چهارم جلسات ۷ و ۸	تثبیت زبانی، انسجام زبانی، کلمات مرکزی، زایش زبان وجودی از زبان دیگری	شناخت کلمات مرکزی ما که سبک زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است، شناخت تثبیت های زبانی
هفته پنجم جلسات ۹ و ۱۰	وضعیت های هستی-شناسی	آشنایی با نحوه مواجهه و رویارویی ما با وضعیت های هستی-شناختی
هفته ششم جلسات ۱۱ و ۱۲	وجود و امکان های چهارگانه پارادوکسیکال (پذیرش-قدرت، آزادی-محدوده، دیگری-تنهایی، معنا-قصدمندی)	شناخت امکان های پارادوکسیکال و راه کارهایی برای به جریان انداختن این امکان ها در صحنه زندگی

۶. اجرای پس آزمون پرسشنامه های باورهای غیرمنطقی ارتباطی آدیلسون و اپشتاین ۷. تحلیل نتایج و استخراج یافته ها ۸. نگارش و ارائه گزارش نهایی

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: ۱. روش های آمار توصیفی (محاسبه فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) ۲. تحلیل کواریانس چند متغیره یا مانوا ۳. استفاده از نرم افزار آماری SPSS

یافته ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل آماری نتایج حاصل از اطلاعات جمع آوری شده پرداخته شده است در بخش اول به تحلیل توصیفی با کمک شاخص های گرایش به مرکز و پراکندگی (میانگین و انحراف معیار) برای ابعاد پرسشنامه ارائه گردید و در ادامه با استفاده از آزمون های آماری فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند. در این بخش ابتدا پیش فرض های تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA) مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه جهت بررسی تعیین اثربخشی خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزیزستانسیالیسم بر باورهای غیر منطقی از تحلیل کوواریانس (MANCOVA) استفاده شد.

تحلیل توصیفی داده ها: به منظور شناخت بهتر جامعه ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، قبل از تجزیه و تحلیل داده های آماری، این داده ها توصیف شده اند. همچنین توصیف آماری داده ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنان و پایه ای برای تبیین روابط متغیرهایی است که در پژوهش بکار رفته اند. به طور کلی، روش هایی را که به وسیله آنها می توان اطلاعات جمع آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می نامند. در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های مرکزی همچون میانگین و شاخص پراکندگی انحراف معیار انجام پذیرفته است. خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق پس از غربالگری و حذف داده های پرت به کمک نرم افزار SPSS ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار باورهای غیر منطقی و شاخص ها

متغیر	وضعیت	گروه	میانگین	انحراف معیار
باورهای غیر منطقی	پیش آزمون	گروه کنترل	۱۰۴.۱۳	۷.۲۷۹
		گروه آزمایش	۱۸۵.۳۷	۵.۷۵۵
	پس آزمون	گروه کنترل	۶۰.۱۳	۱۰.۳۳۲
		گروه آزمایش	۱۱۰.۶۳	۴۸.۰۹
تخریب کنندگی مخالفت	پیش آزمون	گروه کنترل	۲۳.۳۷	۲.۶۱۵
		گروه آزمایش	۳۷.۱۳	۲.۳۵۷
	پس آزمون	گروه کنترل	۱۰.۸۸	۲۰.۳۱
		گروه آزمایش	۲۳.۲۵	۲۰.۱۸۸
باور به تغییر پذیری		گروه کنترل	۲۳.۱۳	۱.۳۵۶

۲۰۱۰۰	۳۷۸۸	گروه آزمایش	پیش آزمون	
۱۰۲۸۲	۹۰۷۵	گروه کنترل	پس آزمون	
۱۰۹۲۷	۲۲۰۵۰	گروه آزمایش	پیش آزمون	باور ذهن خوانی
۱۰۳۵۶	۲۳۰۱۳	گروه کنترل		
۲۰۳۹۰	۳۷۰۰۰	گروه آزمایش	پس آزمون	
۱۰۲۸۲	۱۰۰۲۵	گروه کنترل		
۱۰۴۱۴	۲۴۰۰۰	گروه آزمایش	پیش آزمون	کمال گرایی جنسی
۲۰۱۲۱	۲۲۰۷۵	گروه کنترل		
۱۰۷۵۳	۳۷۰۷۵	گروه آزمایش	پس آزمون	
۱۰۱۹۵	۱۰۰۰۰	گروه کنترل		
۱۰۰۶۱	۲۲۰۶۳	گروه آزمایش	پیش آزمون	باور تفاوت های جنسی
۲۰۲۹۵	۲۳۰۱۳	گروه کنترل		
۱۰۹۹۶	۳۶۰۶۳	گروه آزمایش	پس آزمون	
۱۰۱۸۸	۹۰۶۳	گروه کنترل		
۱۰۹۲۷	۲۳۰۵۰	گروه آزمایش		

جدول ۲: آزمون شاپیرو-ویلکز برای بررسی نرمال بودن متغیرهای باورهای غیرمنطقی زوج ها

متغیر	وضعیت	گروه	آماره آزمون	سطح معنی داری
باورهای غیر منطقی	پیش آزمون	گروه کنترل	۹۵۴	۰/۷۵۱
		گروه آزمایش	۵۸۴	۰/۹۳۷
	پس آزمون	گروه کنترل	۹۱۸	۰/۴۱۱
		گروه آزمایش	۳۲۷	۰/۹۰۶
تخریب کنندگی مخالفت	پیش آزمون	گروه کنترل	۹۵۰	۰/۷۱۱
		گروه آزمایش	۹۵۲	۰/۷۲۸
	پس آزمون	گروه کنترل	۹۰۱	۰/۲۹۳
		گروه آزمایش	۹۴۲	۰/۶۳۴
باور به تغییر پذیری	پیش آزمون	گروه کنترل	۹۳۰	۰/۵۱۲
		گروه آزمایش	۹۱۱	۰/۳۵۸
	پس آزمون	گروه کنترل	۹۳۸	۰/۵۹۲
		گروه آزمایش	۹۵۶	۰/۷۷۳
باور ذهن خوانی	پیش آزمون	گروه کنترل	۸۸۲	۰/۱۹۵
		گروه آزمایش	۹۰۸	۰/۳۳۹
	پس آزمون	گروه کنترل	۹۳۸	۰/۵۹۲
		گروه آزمایش	۸۹۷	۰/۲۷۳
کمال گرایی جنسی		گروه کنترل	۸۵۵	۰/۱۰۶

پیش آزمون	گروه آزمایش	۸۴۷	۰۰۸۹
پس آزمون	گروه کنترل	۹۳۲	۰۵۳۴
	گروه آزمایش	۶۷۶	۰۰۰۱
پیش آزمون	گروه کنترل	۹۶۵	۰۸۵۲
	گروه آزمایش	۹۲۲	۰۴۵۰
پس آزمون	گروه کنترل	۸۹۲	۰۲۴۵
	گروه آزمایش	۹۵۶	۰۷۷۳

باور تفاوت های
جنسی

نتایج بدست آمده از آزمون شاپیرو-ویلکز نشان داد که مقدار سطح معنی داری برای باورهای غیرمنطقی زوج ها و شاخص های آنها در دوگروه کنترل و آزمایش در دو وضعیت پیش آزمون و پس آزمون بالاتر از 0.05 است و متغیرها نرمال هستند و در نتیجه مفروضه همگنی توزیع متغیرها در داده ها وجود دارد.

همگنی گروه ها: در انجام تحلیل کوواریانس این فرضیه بیان می شود که واریانس هرخانه از جدول داده ها باید یکسان باشد. برای بررسی این همگنی متغیرها از آزمون لوین استفاده می شود.

جدول ۳: نتایج آزمون همگنی واریانس لوین

متغیر	آماره F	سطح معنی داری
باورهای غیرمنطقی	۰.۱۴۳	۰.۷۱۱
تخریب کنندگی مخالفت	۰.۳۶۳	۰.۵۵۶
باور به تغییر پذیری	۲.۷۳۳	۰.۱۲۱
باور ذهن خوانی	۰.۱۷۶	۰.۶۸۱
کمالگرایی جنسی	۰.۶۴۰	۰.۴۳۷
باور تفاوت های جنسی	۰.۱۹۲	۰.۶۶۸

همانطور که از جدول ۳ نشان داده شده است مقدار سطح معنی داری برای باورهای غیرمنطقی زوج ها و شاخص های آنها بیشتر از ۰,۰۵ شد و فرض همگنی واریانس ها مورد تایید قرار می گیرد.

آزمون اثر بین آزمودنی

جدول ۴: نتایج آزمون اثرهای بین آزمودنی

متغیر	گروه ها	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	آماره F	سطح معنی داری
باورهای غیرمنطقی	پیش آزمون: گروه ها	۹۹۶۰۸	۹۹۶۰۸	۱.۵۵۴	.۲۳۶
	خطا	۷۶۹.۲۱۹	۶۴.۱۰۲		
تخریب کنندگی مخالفت	پیش آزمون: گروه ها	۷.۱۰۹	۷.۱۰۹	۱.۵۴۷	.۲۳۷
	خطا	۵۵.۱۵۴	۴.۵۹۶		
باور به تغییر پذیری	پیش آزمون: گروه ها	.۸۵۸	.۸۵۸	.۳۰۷	.۵۸۹
	خطا	۳۳.۴۸۶	۲.۷۹۱		
باور ذهن خوانی	پیش آزمون: گروه ها	.۴۹۲	.۴۹۲	.۲۳۶	.۶۳۶
	خطا	۲۵.۰۰۷	۲.۰۸۴		
کمال گرایی جنسی	پیش آزمون: گروه ها	.۰۱۸	.۰۱۸	.۰۱۲	.۹۱۴
	خطا	۱۷.۵۱۷	۱.۴۶۰		
باور تفاوت های جنسی	پیش آزمون: گروه ها	.۳۶۷	.۳۶۷	.۱۲۴	.۷۳۰
	خطا	۳۵.۴۳۸	۲.۹۵۳		

براساس نتایج همین جدول اثر تعاملی پیش آزمون و گروه ها در متغیر باورهای غیرمنطقی زوج ها شاخص های آن چون سطح معنی داری بالاتر از ۰,۰۵ است معنادار نیست. با توجه به نتیجه بدست آمده می توان گفت بردارهای متقابل معنادار نبوده و شیب رگرسیونی در باورهای غیرمنطقی زوج ها در دو گروه تفاوت معناداری ندارد

آزمون ام باکس:

جدول ۵: نتایج آزمون ام باکس

MBOX	F	P
۶,۶۴	۱,۸۷	۰,۱۳۳

با توجه به نتایج جدول ۵ آزمون ام باکس فرض صفر تایید می شود و می توان گفت مفروضه همگنی کوواریانس های متغیر های وابسته در گروه برقرار است.

فرضیه اصلی: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باورهای غیرمنطقی زوج ها می شود.

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه باورهای غیرمنطقی زوج ها در متن مانکوا

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیر وابسته	اثر
.۰۲۹	۶,۰۵۹	۴,۴۹۱۳	۱	۴,۴۹۱۳	باورهای غیرمنطقی زوج ها	گروه
		۶۶,۸۳۳	۱۳	۸۶۸,۸۲۷		خطا

نتایج بدست آمده در جدول ۶ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر باورهای غیرمنطقی زوج ها ($Si g=۰.۰۲, F=۶.۰۵۹$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باورهای غیرمنطقی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیرمنطقی زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی اول: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش تخریب کنندگی مخالفت زوج ها می شود.

جدول ۷: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه تخریب کنندگی مخالفت زوج ها در متن مانکوا

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیر وابسته	اثر
.۰۰۴	۱۲,۱۲۹	۵۸,۰۹۱	۱	۵۸,۰۹۱	تخریب کنندگی مخالفت زوج ها	گروه
		۴,۷۸۹	۱۳	۶۲,۲۶۲		خطا

نتایج بدست آمده در جدول ۷ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر تخریب کنندگی مخالفت زوج ها ($Si g=۰.۰۰۴, F=۱۲.۱۲۹$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در تخریب کنندگی مخالفت زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر تخریب کنندگی مخالفت زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی دوم: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور به تغییر پذیری همسر زوج ها می شود.

جدول ۸: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه باور به تغییر پذیری همسر زوج ها در متن مانکوا

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	باور به تغییر پذیری همسر زوج ها	۱۴.۷۸۹	۱	۱۴.۷۸۹	۵.۵۹۸	.۰۳۴
خطا		۳۴.۳۴۴	۱۳	۲.۶۴۲		

نتایج بدست آمده در جدول ۸ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر باور به تغییر پذیری همسر زوج ها ($Si\ g=۰.۰۰۰$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور به تغییر پذیری همسر زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور به تغییر پذیری همسر در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی سوم: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور ذهن خوانی زوج ها می شود.

جدول ۹: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه باور ذهن خوانی زوج ها در متن مانکوا

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	باور ذهن خوانی زوج ها	۴۹.۰۵۵	۱	۴۹.۰۵۵	۲۵.۰۱۰	.۰۰۰
خطا		۲۵.۴۹۹	۱۳	۱.۹۶۱		

نتایج بدست آمده در جدول ۹ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر باور ذهن خوانی زوج ها ($Si\ g=۰.۰۰۰$, $F=۲۵.۰۱۰$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور ذهن خوانی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور ذهن خوانی در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی چهارم: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور کمال گرایی جنسی زوج ها می شود.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه باور کمال گرایی جنسی زوج ها در متن مانکوا

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	باور کمال گرایی جنسی زوج ها	۲۹.۰۲۳	۱	۲۹.۰۲۳	۲۱.۵۱۸	...
		۱۷.۵۳۴	۱۳	۱.۳۴۹		
خطا						

نتایج بدست آمده در جدول ۱۰ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر باور کمال گرایی جنسی زوج ها ($Si g=0.00, F=21.51$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور کمال گرایی جنسی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور کمال گرایی جنسی در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی پنجم: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور تفاوت های جنسی زوج ها می شود.

جدول ۱۱: نتایج تحلیل کوواریانس یک راهه باور تفاوت های جنسی زوج ها در متن مانکوا

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	باور تفاوت های جنسی زوج ها	۶۶.۸۹۳	۱	۶۶.۸۹۳	۲۴.۲۸۷	...
		۳۵.۸۰۵	۱۳	۲.۷۵۴		
خطا						

نتایج بدست آمده در جدول ۱۱ نشان از آن دارد که تحلیل کوواریانس در متغیر باور تفاوت های جنسی زوج ها ($Si g=0.00, F=24.287$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور تفاوت های جنسی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور تفاوت های جنسی در زوج ها اثربخش است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با عنوان تأثیر آموزش بسته آموزشی خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیرمنطقی زوج ها انجام گرفت. بسته آموزشی خودشناسی براساس کتابی است با عنوان "خودشناسی وجودی (جستاری در باب زبان کاوی روان در هستی شناسی)" که توسط انتشارات آگین کتاب در ۱۲۹ صفحه در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. در این پژوهش اثر بخشی بسته آموزشی خودشناسی وجودی بر باورهای غیر منطقی زوج ها تعیین شد. بر همین اساس یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی در این پژوهش تدوین گردید:

فرصیه اصلی: آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باورهای غیر منطقی زوج ها می شود. فرضیه های فرعی: ۱. آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش تخریب کنندگی مخالفت در زوج ها می شود. ۲. آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور به تغییر پذیری همسر در زوج ها می شود. ۳. آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور ذهن خوانی در زوج ها می شود. ۴. آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور کمال گرایی جنسی در زوج ها می شود. ۵. آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم منجر به کاهش باور تفاوت های جنسی در زوج ها می شود.

فرضیه اصلی: نتایج بدست آمده نشان داد در تحلیل کوواریانس در متغیر باورهای غیرمنطقی زوج ها ($Si g=0.02, F=6.059$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باورهای غیرمنطقی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیرمنطقی زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی اول: نتایج بدست آمده نشان داد تحلیل کوواریانس در متغیر تخریب کنندگی مخالفت زوج ها ($Si g=0.00, F=12.12$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در تخریب کنندگی مخالفت زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر تخریب کنندگی مخالفت زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی دوم: نتایج بدست آمده نشان داد تحلیل کوواریانس در متغیر باور به تغییر پذیری همسر زوج ها ($Si g=0.00, F=5.59$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور به تغییر پذیری همسر زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور به تغییر پذیری همسر در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی سوم: نتایج بدست آمده نشان داد تحلیل کوواریانس در متغیر باور ذهن خوانی زوج ها ($Si g=0.00, F=25.01$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور ذهن خوانی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور ذهن خوانی در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی چهارم: نتایج بدست آمده نشان داد تحلیل کوواریانس در متغیر باور کمال گرایی جنسی زوج ها ($Si g=0.00, F=21.51$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور کمال گرایی جنسی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور کمال گرایی جنسی در زوج ها اثربخش است.

فرضیه فرعی پنجم: نتایج بدست آمده نشان داد تحلیل کوواریانس در متغیر باور تفاوت های جنسی زوج ها ($Si g=0.00, F=14.98$) معنادار است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت گروه آزمایش تغییر معناداری در باور تفاوت های جنسی زوج ها نسبت به گروه کنترل تحت تأثیر مداخله بوجود آمده است. یعنی آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باور تفاوت های جنسی در زوج ها اثربخش است. در نتیجه آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد اگزستانسیالیسم بر باورهای غیرمنطقی زوج ها اثربخش است.

پژوهش حاضر نشان داد که آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد فلسفی اگزیستانسیالیسم بر کاهش باورهای غیرمنطقی ارتباطی اثر بخش است. در مقایسه تطبیقی یافته‌ها و نتایج این بخش از پژوهش با قسمت‌هایی از تحقیقات و یافته‌های محققان و پژوهشگران نظیر بهروز دولتشاهی و زینب مسرت مشهدی (۱۳۹۶) همسویی و انطباق دارد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی بطور مستقیم بر تأثیر آموزش اگزیستانسیالیستی و آموزش خودشناسی اگزیستانسیالیسی بر متغیرهای وابسته‌ای انجام نشده است، پژوهش حاضر اولین پژوهشی است که بطور مستقیم به این آموزش می‌پردازد. بنابراین به سختی می‌توان نتایج این پژوهش را با پژوهش‌های پیشین تطبیق داد مگر در تشابهاتی در باب متغیر خودشناسی و باورهای غیرمنطقی. از همین رو در پژوهش سعیده داوری (۱۴۰۱)، خدابخش و همکارانش (۱۴۰۱) و صادقی و همکارانش (۱۴۰۱) بر نقش خودشناسی بر بهبود روابط بین فردی تأکید شده است و تعارضات بین فردی را کاهش داده است. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیگری که به تأثیر آموزش‌های متفاوتی بر روی باورهای غیرمنطقی پرداخته و سنجیده‌اند همراستایی نشان می‌دهد. این پژوهش‌ها شامل زهرا شیروانی و همکارانش (۱۳۹۹) با آموزش مهارت‌های زندگی، فاطمه جعفری رنجبر (۱۳۹۹) با آموزش گروه درمانی شناختی-رفتاری، حسنا کمانکش (۱۴۰۱) با آموزش روانشناسی مثبت‌نگر و فریده حمیدی و همکاران (۱۴۰۱) با آموزش شناخت درمانی می‌شود. بهروز دولتشاهی و زینب مسرت مشهدی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش تعیین اثر پذیری میزان سازگاری زناشویی از باورهای غیرمنطقی دریافتند که هرچه نمره باورهای غیرمنطقی افزایش یابد، سطح سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد. از همین رو الیس (۱۹۸۵) معتقد است که ریشه مشکلات زناشویی و اختلافات در عقاید غیرمنطقی یکی از زوجین یا هر دو شریک زندگی است. شرکای زندگی رفتارها و نظرات مثبت شریک دیگر را نادیده می‌گیرند و رفتارها و نظرات منفی او را پررنگ می‌کنند (فردی و امین یزدی، ۱۳۷۴). براساس تئوری الیس؛ بدفهمی و باورهای غیرمنطقی سبب عواقب غیرمنطقی می‌شوند. در واقع این عقاید بوسیله واقعیت کنترل نمی‌شوند و براساس شک و تردید هستند. صدیقی فرد (۱۹۹۵) نشان داد که اجتناب از رویارویی با مسایل بیشترین و نگرانی زیاد توأم با اضطراب کمترین باورهای غیرمنطقی بودند (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۴). برخالف فلاسفه یونانی و رومی و ساختارگرایان، الیس (۱۹۶۲) بر ایده‌ای تأکید کرد که مردم از طریق سیستم باورهایشان واکنش نشان می‌دهند. براساس تئوری الیس، ناراحتی‌ها و اضطراب‌های هر فرد زایده افکار غیرمنطقی اوست در نتیجه برای درمان اختلالات رفتاری می‌بایست از آموزش استدلال و منطق و هدایت صریح و مستقیم حداکثر استفاده را به عمل آورد تا بتوان افکار منطقی‌تر و عقلانی‌تر را جایگزین افکار غیرمنطقی و حذف اختلالات رفتاری نمود (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۵). به نظر نیچه انسان کامل انسانی است که به خودآگاهی تمام عیار و کامل دست یابد. این خودآگاهی نیز تنها در گرو آن است که انسان جسم، روح، اندیشه و تمام حقیقت تشکیل‌دهنده‌اش را درگیر با تفسیر خود از عالم هستی بداند. انسان به سرشت جهان تعلق دارد. او دروازه ورود به عالم است. انسان به واسطه ذهنیت خویش و به واسطه هستی تفسیرگر زندگی خاص خود و رهگذر تمام راه‌های گوناگونی که در طریق آنها انسان هستی خویش را احساس می‌کند، با هستی و ذات عالم مشارک دارد. باید گفت شرف و بزرگی انسان در زیستن با آگاهی از پوچی و در عین حال مبارزه با آن از طریق متعهد ساختن خویش و زندگی کردن به کامل‌ترین وجه ممکن است. درست همانند هنرمند خلاق که تمام زندگی‌اش را با میل و رغبت خود وقف خلاقیت هنری خود می‌کند، با وجود اینکه می‌داند خود و عملش در معرض نابودی و فنا هستند (یاسپرس، ۱۳۸۲). باورهای یک فرد درباره مفهوم خودش به طور کلی تمام باورهای دیگر و نحوه رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دید یک فرد درباره خودش، چه شایستگی و چه عدم شایستگی، ارزشمند و یا بی‌ارزش بودن، تأثیر زیادی بر باورهای دیگر و نحوه رفتار او را با دیگران دارد. باورها بر طبق میزان تأثیرشان در زندگی فرد طبقه بندی می‌گردند. بر این اساس بعضی از آنها نقش بسیار مهمی در زندگی دارند، درحالی که باورهای دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند. اهمیت یک باور در تعداد ارتباطاتی که آن باور با دیگر باورها دارد منعکس می‌گردد و از طریق این ارتباطات، گستره تأثیرگذاری باور

مشخص می شود. باورهای منطقی منجر به پیامدهای عاطفی و رفتار سازنده و منطقی در فرد خواهند شد و منجر به رشد بقا و حفظ سلامتی روانی او می گردند. افرادی که شخصیت سالمی دارند، منبع کنترل خود را بر تفکر کارآمد بنا مینهند. به هر حال شخصدر تلاش خویش برای حرکت در جهت رشد فردی با نشان دادن رفتارهایی مبتنی بر خود شکوفایی، غالباً با کارشکنی ها و خرابکاری های مربوط به تفکر تاتی مواجه می شود که مبتنی بر خود مغلوب سازی است (ساعتچی، ۱۳۷۷: ۶۵).

پژوهش حاضر تنها پژوهشی است که به آموزش خودشناسی مبتنی بر رویکرد فلسفی اگزیستانسیالیسم پرداخته است. از همین رو پیشنهاد می شود که روانشناسان توجه بیشتری به فلسفه اگزیستانسیالیسم یا وجودی داشته باشند چرا که فلسفه اگزیستانسیالیسم فلسفه ای است که به مفهوم دیگری و رابطه به عنوان یکی از نقاط کلیدی تفکر خود پرداخته است، اگزیستانسیالیسم با پیوند زدن مفاهیمی چون انتخاب، دلهره، آگاهی جهت یابنده، دیگری، اختیار، آزادی، مسئولیت و تعهد به زندگی عملی و اجتماعی، گام های مهمی را در راستای پر کردن خلأ عاطفی و روانی نسل بعد از جنگ فرانسه برداشت. اگزیستانسیالیسم یکی از مکاتب فلسفی است که بخش بزرگی از فلسفه معاصر را دربر می گیرد. از همین رو لزوم پژوهش های بیشتر روانشناسان مبتنی بر رویکرد فلسفه اگزیستانسیالیسم ضروری بنظر می رسد.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۴۰۰). سارتر که می نوشت. تهران: انتشارات مرکز
- امیدبیک، مهسا؛ خلیلی، شیوا؛ غلام علی لواسانی، مسعود و قربانی، نیما (۱۳۹۳) رابطه ذهن آگاهی و خودشناسی منسجم با رضایتمندی زناشویی. مجله روانشناسی، شماره ۷۱. صفحه - از ۳۲۷ تا ۳۴۱.
- انصافداران، فریده؛ محمدی زاده، مهناز؛ خرم دل، کاظم. (۱۴۰۰). مقایسه باورهای غیرمنطقی، خودپنداره و بهزیستی معنوی در زنان با سابقه طلاق و عادی. مجله پژوهش های میان رشته ای زنان. شماره ۹. صفحه - از ۴۷ تا ۶۰.
- بالندری، الهام و قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی. (۱۳۹۵) مقایسه اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر روابط موضوعی با گروه درمانی هیجان مدار بر کیفیت روابط موضوعی و هم وابستگی در زنان افسرده. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۶). روانشناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر اسلامی
- بیان فر، فاطمه و حامدیان، سمیه. (۱۳۹۹). پیش بینی سازش یافتگی بر اساس مثلث شناختی و باورهای غیر منطقی در بین زوجین. مجله روانشناسی بالینی، سال ۱۲، شماره ۳.
- پورحسین، رضا. (۱۳۸۴). روانشناسی خود، تهران: انتشارات امیرکبیر
- جعفری رنجبر، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی آموزش گروه درمانی شناختی-رفتاری بر کاهش باورهای غیر منطقی و انضباط پذیری دانش آموزان دوره متوسطه شهر بندر عباس. مجله پژوهش نامه اورمزد. شماره ۵۱. صفحه: ۱۳۶-۱۶۱.
- حسن زاده، رمضان. (۱۳۹۳). روش تحقیق کاربردی. تهران: نشر روان

- حمیدی، فریده؛ یوسفی، علیرضا؛ فکوری حاجی‌بار، حسین. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر باورهای غیرمنطقی و رابطه والد -فرزند در والدین متقاضی طلاق سازش نیافته. مجله رویش روانشناسی، شماره ۷۶. صفحه- از ۱۱ تا ۲۰.
- حیدری، م. م. مظاهری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. خانواده پژوهی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، ۱۲۲.
- خدابخش، روشنگ؛ اسدی، فروغ و مهری نژاد، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۱). نقش خودتنظیمی هیجانی، مکانیزم‌های دفاعی و خودشناسی انسجامی در پیش‌بینی کیفیت روابط بین فردی. پژوهش‌های نوین روانشناختی، شماره ۶۷، صفحه: از ۲ تا ۱۱
- خرسندپور، توران؛ رضاخانی، سیمین دخت؛ شریفی، حسن پاشا. (۱۴۰۰). الگوی ساختاری باورهای غیرمنطقی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس در دانشجویان: نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی. مجله علوم روانشناختی. شماره ۱۰۱، صفحه - از ۷۷۵ تا ۷۸۶.
- داوری، سعیده. (۱۴۰۱). تأثیر خودشناسی، معنویت و سلامت روان بر تعارضات بین فردی. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۵۶، صفحه: از ۱۶ تا ۲۲
- دولتشاهی، بهروز و زینب مسرت مشهدی (۱۳۹۶). اثر پذیری میزان سازگاری زناشویی از باورهای غیر منطقی. رویش روان شناسی، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۸)
- ساعتچی، محمود. (۱۳۷۷). روانشناسی بهره وری. تهران: انتشارات روان، ارسباران
- سلیمی، سیدحسن؛ کرمی نیا، رضا؛ میرزمانی، سیدمحمود؛ خاقانی زاده، سیدمرتضی. (۱۳۸۴). رابطه باورهای غیرمنطقی با چرخه زندگی در متقاضیان طلاق. فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱، شماره ۳.
- شفیع آبادی، عبدالله و ناصری، غلامرضا. (۱۳۹۶). نظریه های مشاوره و رواندرمانی. تهران: انتشارات دانشگاهی
- شیروانی، زهرا؛ صادقی، زهره؛ نعمتی، علی؛ غلامی، فرود (۱۳۹۹). تأثیر مهارت‌های زندگی بر باورهای ارتباطی غیرمنطقی مردان دارای تجربه رابطه فرازناشویی. پژوهش‌های کاربردی در مشاوره، شماره ۱۰. صفحه: ۶۷ - ۸۴
- صادقی، ایران؛ صلاحیان، افشین؛ صالحی، مهدیه. (۱۴۰۱). نقش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۵۰، صفحه: از ۷۰ تا ۹۷
- کرمی، حسین، (۱۳۸۵). انسان شناخت: تطبیقی در آراء صدرا و یاسپرس. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کمانکش، حسنا (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش روانشناسی مثبت‌نگری بر باورهای غیر منطقی در بین زنان دارای همسر ناسازگار. نشریه راهبردهای نو در روانشناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره ۱۳، صفحه: ۱۹-۲۸.
- عبدخدایی، محمدسعید؛ ظریفیان، فرشته و آقامحمدیان شریفان، حمیدرضا. (۱۴۰۱). تدوین برنامه آموزش خودشناسی با رویکرد صدراپی. جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۲۷، صفحه: از ۷۳۱۵ تا ۷۳۲۷

- فولکیه، پل، (۱۳۳۲). اگزستانسیالیسم. ترجمه ایرج پورباقر، کتابفروشی تأیید: اصفهان
- نوری قاسم آبادی، ربابه (۱۳۷۷). ارتباطات و پیوندهای اجتماعی ضامن سلامت فرد و جامعه. نشریه کار و کارگر
- نوروزی، رضاعلی؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ نصرتی، کمال؛ شاهی، محمد. (۱۳۹۲). درآمدی بر آرای ابن سینا و جاحظ در باب اصول تربیتی. مجله ی معرفت. سال بیست و دوم. شماره ۱۹۱، ص ۱۰۳ - ۹۱
- یاسپرس، کارل. (بی تا). درآمدی به فهم فلسفه‌ورزی نیچه. ترجمه: سیاوش جمادی (۱۳۸۲). تهران: نشر ققنوس
- Bushman, W. (1998). The relationship between conflict, love and satisfactional relationship beliefs, problem – solving techniques and negotiating strategies in romantic relationship. Ph. D. Hofstra university.
- Davies, f., m., (2007). Irrational beliefs and unconditional self – acceptance. II, expremental evidence for a causal link between two key features of REBT, journal of rational-emotive & cognitive-behavior therapy.
- Poppen, W. A. & C. L. (1974). Thompson School Counseling: Theories and Concepts, Lincoln, Nebraska, Professional Educators Publications Inc.
- Watson, P.J., & Biderman, M.D. (1993). Narcissistic Personlity Inventory factors, splitting , and self-consciousness. . Journal of personality Assessment, 61, 41-57.
- Wicklund, R. A. & Duval, S. (1971). Opinion change and performance facilitation as a result of objective self-awareness. Journal of Experimental Social Psychology, 7, 319-42.
- William , L. (1996). Philosophy and Religion, New Jersey, Humanities Press, Reese. Ancelet